موضوع: مراجعه 49

مراجعه 49

بعد از بررسی چهل روایتی که در مراجعه 48 مطرح شد، شیخ سلیم بشری در مراجعه 49 می گوید: فضایلی که در این مراجعه برای امیرالمومنین (ع) آمده همه مورد پذیرش است، اما این فضایل دلالتی بر امامت آن حضرت ندارد.

وی می گوید: «قال الإمام أبو عبد اللّه أحمد بن حنبل: ما جاء لأحد من أصحاب رسول اللّه من الفضائل ما جاء لعلي بن أبي طالب، و قال ابن عباس: ما نزل في أحد من كتاب اللّه ما نزل في علي و قال مرة اخرى: نزل في علي ثلاثمائة آية من كتاب اللّه عزّ و جلّ، و قال مرة ثالثة: ما أنزل اللّه: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، إلّا و علي أميرها و شريفها، و لقد عاتب اللّه أصحاب محمد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم في غير مكان من كتابه العزيز، و ما ذكر عليا إلّا بخير ... الخ‏

و قال عبد اللّه بن عياش بن أبي ربيعة: كان لعلي ما شئت من ضرس قاطع في العلم، و كان له القدم في الإسلام؛ و الصهر من رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله و سلّم، و الفقه في السنة، و النجدة في الحرب، و الجود في المال.

و سئل الإمام أحمد بن حنبل عن علي و معاوية، فقال: إن عليا كان كثير الأعداء، ففتش أعداؤه عن شي‏ء يعيبونه به فلم يجدوه، فجاءوا إلى رجل قد حاربه و قاتله، فأطروه كيدا منهم له ... الخ.

و قال القاضي إسماعيل، و النسائي و أبو علي النيسابوري، و غيرهم : لم يرد في حق أحد من الصحابة بالأسانيد الحسان ما جاء في علي‏.

و هذا مما لا كلام فيه، و إنما الكلام في عهد الرسول إليه بالخلافة عنه، و هذه السنن ليست من النصوص الجلية في ذلك، و إنما هي من خصائص‏ الإمام و فضائله، لا تسعها الأرقام، و نحن نؤمن بأنه كرم اللّه وجهه، أهل لها و لما فوقها، و لقد فاتكم منها أضعاف أضعاف ما ذكرتموه، و قد لا تخلو من ترشيحه للإمامة، لكن ترشيحه لها غير العهد بها إليه كما تعلمون، و السلام»[[1]](#footnote-1): احمد بن حنبل گفته است درباره هیچ یک از اصحاب پیامبر اکرم (ص) آن مقدار فضائلی که در مورد امیرالمومنین (ع) نقل شده نیامده است.[[2]](#footnote-2) ذهبی نیز درباره آن چیزی نگفته است.

حدیث دوم از ابن عباس است که گفته است: در کتاب الهی درباره احدی مدح و ثنایی نازل نشده آن مقدار که درباره امیرالمومنین (ع) آمده است. وی در جای دیگری گفته است: درباره امیرالمومنین (ع) 300 آیه از قرآن کریم نازل شده است.[[3]](#footnote-3) و در روایت سومی از ابن عباس آمده است: هر جا عبارت «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در قرآن آمده است، امیرالمومنین (ع) امیر آنان است و خداوند در قرآن کریم در جاهای مختلف اصحاب پیامبر (ص) را مذمت کرده است، ولی درباره امیرالمومنین (ع) هر جا مطلبی آمده مدح بوده است.[[4]](#footnote-4)

عبدالله بن عیاش بن ابی ربیعه گفته است: علی بن ابی طالب در مورد هر علمی که از ایشان سوال می کردی به صورت قاطع جواب می داد. او از نظر اسلام مقدم و داماد پیامبر اکرم (ص) بود. ایشان آگاه به سنت بود و در جنگها مجاهدی شجاع و در زمینه مالی دارای جود و بخشش بود.[[5]](#footnote-5)

عبدالله بن احمد از پدرش احمد بن حنبل درباره امیرالمومنین (ع) و معاویه سوال کرد، وی گفت: علی (ع) دشمنان زیادی داشت و دشمنانش بررسی کردند تا عیبی برای وی پیدا کنند اما نتوانستند و لذا آمدند در مورد مردی (معاویه) که با وی جنگیده بود مدح و ثنا قرار دادند، به این قصد که دشمن امیرالمومنین (ع) را مدح کنند، تا ایشان تخریب شود.[[6]](#footnote-6)

قاضی اسماعیل و نسائی و حاکم نیشابوری نقل کرده اند درباره هیچ یک از اصحاب فضیلت و منقبتی که با سندهای خوب باشد، همانند امیرالمومنین (ع) نیامده است.[[7]](#footnote-7)

شیخ سلیم در ادامه می گوید: این فضایلی که درباره امیرالمومنین (ع) نقل شد جای انکار و اختلافی ندارد اما سخن در این است که اینها دلالت بر خلافت و امامت امیرالمومنین (ع) ندارد. اینها مربوط به ویژگی های علی بن ابیطالب (ع) و خصوصیات ایشان است. تعداد آنها هم خیلی زیاد است و آن حضرت اهل این فضائل و مافوق آنها بود. چندین برابر از فضایل ایشان هم هست که شما نقل نکردید، اما این فضایل از اینکه او را به عنوان نامزد امامت نشان دهد خالی است.

اشکال ابومریم اعظمی

ابومریم اعظمی درباره این مراجعه گفته است: ما در این کتاب در مقام نقد شیخ سلیم نیستیم اما روایاتی که در اینجا به ابن عباس نسبت داده درست نیست، از آن طرف بقیه روایتی هم که نقل کرده مفید برای رافضه نیست و مقصود آنان در امامت را اثبات نمی کند. این فضایلی هم که در اینجا برای امیرالمومنین (ع) بیان شده، برای بقیه صحابه نیز وجود دارد.

درباره حدیث اول ابن عباس: ابن حجر روایت اول ابن عباس را به ابن عساکر نسبت داده است و خودش سندش را پیدا نکرده است، و چنین روایتی که سندش هم نقل نشده قابل احتجاج نیست.

حدیث دوم ابن عباس نیز باطل است و ثابت نیست که از ابن عباس باشد. خطیب بغدادی این حدیث را نقل کرده است. ما در مراجعه 12 گفتیم ابن جوزی این روایت را در الموضوعات آورده است. در سند آن هم چند نفر هست که اشکال دارند: جوید بن سعید، مجهول است. سلام بن سلیمان ثقفی، ضعیف است و اسماعیل بن محمد مدائنی، مجهول است. همچنین در این روایت انقطاع میان ضحاک و ابن عباس وجود دارد.

حدیث سوم ابن عباس نیز ضعیف و باطل است. طبرانی در معجم الکبیر آن را نقل کرده است. در این روایت عیسی بن راشد است که هیثمی او را ضعیف دانسته است، اما این کوتاهی از هیثمی است زیرا عیسی بن راشد، مجهول است.

ابومریم در ادامه می گوید: ابونعیم اصفهانی در کتاب «الحلیه الاولیاء» این حدیث را مرفوع بیان کرده است (یعنی به رسول الله (ص) نسبت داده است). این روایت مجعول است، زیرا شیخ ابونعیم یعنی محمد بن عمر بن غالب که ابونعیم از وی حدیث نقل کرده، ابن ابی الفارس او را تکذیب کرده است و عباد بن یعقوب نیز که رافضی و غالی است حدیثش اعتبار ندارد.

نقد و بررسی

فعلا در مقام بررسی رجال سندی این سه روایت نیستیم، اما اینکه می گویید مطالبی که علمای اهل حدیث مانند احمد بن حنبل گفته اند فقط مدح و ثنایی برای امیرالمومنین (ع) و دیگران هم این مدح و ثنا را دارند و چیز دیگری را ثابت نمی کند درست نیست، زیرا سخن از برتری امیرالمومنین (ع) بر سایر صحابه است. مثلا عبارت احمد بن حنبل این است که «ما جاء لأحد من أصحاب رسول اللّه من الفضائل ما جاء لعلي بن أبي طالب». پس این روایات دلالت بر برتری ایشان دارد. ثانیا: این روایات از جانب پیامبر (ص) نقل شده است. از آن طرف به راحتی نمی توان از این روایات گذشت. وقتی فرد مخصصی مانند احمد بن حنبل چنین سخنی گفته است، تقویت این مطلب است. یا وقتی عبدلله بن عیاش آن روایت را درباره امیرالمومنین (ع) نقل می کند در حال بیان اظهار نظر است. و یا وقتی احمد بن حنبل درباره تفاوت امام علی (ع) و معاویه سخن می گوید، به این معنا است آنچه درباره معاویه آمده ساختگی است اما آنچه درباره امیرالمومنین (ع) آمده نقصی ندارد.

پس اینگونه نیست که این احادیث دلالتی بر این مطلب ندارد و فرقی میان ایشان و سایر صحابه ایجاد نمی کند، زیرا یکی از شرایط امامت، افضلیت است و وقتی افضلیت آن حضرت ثابت شود، امامت ایشان نیز ثابت می شود.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، ص 351- 354 [↑](#footnote-ref-1)
2. المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص 116، ح 4572 [↑](#footnote-ref-2)
3. الصواعق، ص 160 [↑](#footnote-ref-3)
4. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج1، ص 21 ، ح 13؛ الصواعق المحرقه، ابن حجر، ص 160 [↑](#footnote-ref-4)
5. الصواعق المحرقه، همان [↑](#footnote-ref-5)
6. الصواعق المحرقه، ص 160 [↑](#footnote-ref-6)
7. الصواعق المحرقه، ص 159 [↑](#footnote-ref-7)